

فصل پنجم – تولید اضافه ارزش مطلق

1- اضافه ارزش مطلق چیست؟

نخستین و ساده ترین شیوه ای که برای تشدید بهره کشی از کارگر به نفع می رسد درازتر کردن روزانه کار و از این طریق افزودن بر زمان اضافی است فرض کنیم روزانه کار برابر 8 ساعت و نرخ اضافه ارزش 100% باشد. در این صورت زمان اضافی برابر زمان لازم و هر یک چهارساعت خواهد بود. کارگر نصف روزانه کار برای خود و نصف دیگر را برای سرمایه دار کارخواهد کرد. اگر زمان لازم تغییر نکند و سرمایه دار موفق شود روزانه کار کارگر را بیش از 8 ساعت کرده و مثلاً به 10 ساعت برساند. زمان اضافی به 6 ساعت می رسد و در نتیجه نرخ اضافه ارزش از 100% به 150% افزایش می یابد.

$$\frac{4}{4} 100 = 100\% \quad \text{حالت اول روزانه کار 8 ساعته}$$

زمان اضافی = 4 ساعت زمان لازم = 4 ساعت

$$\frac{6}{4} 100 = 150\% \quad \text{حالت دوم: روزانه کار 10 ساعته}$$

زمان اضافی = 6 ساعت زمان لازم = 4 ساعت

مارکس اضافه ارزش را که به وسیله درازتر کردن روزانه کار به دست می آید اضافه ارزش

مطلق می نامد. ولی تولید اضافه ارزش مطلق همانقدر که ساده و ابتدایی است، محدود و بی دور نمانست. روزانه کار کارگر به هر صورت حد و مرزی دارد؛ هم از نظر جسمانی و فیزیولوژیکی و هم از نظر اجتماعی و سیاسی، کارگر باید در شبانه روز - که نمی تواند بیشتر از 24 ساعت باشد - ساعاتی را برای خواب، خوراک و استراحت صرف کند تا بتواند نیروی کار از دست رفته خویش را باز آفریند و برای کار فردا آماده شود. بدون حداقل خواب و خوراک کارگر قادر به زنده ماندن نیست. به علاوه کارگر علاوه بر نیازهای جسمانی و فیزیولوژیکی، نیازهای روحی و اجتماعی دارد. از جمله کارگر باید به زن و بچه خود برسد و نسل بالنده طبقه کارگر را که جای او را خواهد گرفت پرورش دهد. کارگر باید ساعاتی برای تفریح، گردش، روزنامه خواندن، شرکت در زندگی اجتماعی و رفت و آمد صرف کند. این ساعات ها خواه ناخواه از 24 ساعت شبانه روز که تغییر ناپذیر است کم می شود و ساعاتی را که قابل استفاده مولد در کارخانه است محدود می سازد.

2- مبارزه کارگر و سرمایه دار بر سر روزانه کار

البته سرمایه دار توجهی به نیازهای روحی و اجتماعی کارگر ندارد. و اگر می توانست حتی به حداقل نیازهای جسمانی و فیزیولوژیکی وی نیز توجه نمی کرد. گرایش مداوم سرمایه دار در جهت درازتر کردن هر چه بیشتر روزانه کار است. ولی در عوض کارگر به دراز شدن روزانه کار تن در نمی دهد زیرا هر چه روزانه کار درازتر باشد نیروی کارگر زودتر پایان می یابد. کارگر زودتر پیر و فرسوده می شود و استعداد کار کردن را از دست می دهد. در حالی که استعداد کار کردن - یعنی نیروی کار تنها کالایی است که کارگر در اختیار دارد. او با فروش آن زندگی خود و خانواده اش را تامین می کند.

از نخستین روز پیدایش سرمایه داری مبارزه بر سر روزانه کار بین کارگر و سرمایه دار جریان دارد. در این مبارزه قوانین دولتی ابتدا در جهت درازتر کردن هر چه بیشتر روزانه کار و ایجاد اجبار غیر اقتصادی برای واداشتن کارگران به کار بیشتر تدوین می شد. اولین آیین نامه کارگری در قرن چهاردهم (1349 میلادی) در انگلستان

تدوین شد. آیین نامه مذکور ساعت کار کارگران کشاورزی را از ساعت پنج صبح تا 7 شب تعیین می کرد. اما در آن هنگام کارگران شهری که هنوز امکان کار مستقل پیشه وری داشتند زیر بار روزانه کار طولانی نمی رفتند و قوه قهریه دولتی نیز همواره موفق نبود. بسیار پیش می آمد که شرایط واقعی کار بهتر از قانون بود.

پس از گسترش سرمایه داری امکان کارگر برای کار مستقل از میان رفت. فقر گسترش یافت، رقابت میان کارگران برای یافتن کار و اجبار آنان برای نگاهداری کاری که یافته اند، امکان داد که سرمایه داران روزانه کار را بالا برند. آن ها حتی زنان و کودکان را نیز به کارهای طولانی شبانه روزی واداشتند. در این وقت نبرد میان کار و سرمایه بسیار شدت یافت. دولت به نمایندگی از طرف طبقه سرمایه دار وارد میدان شد تا ساعات کار را تا حدی محدود کند. نخستین قانون از این نوع در سال 1833 میلادی در انگلستان تصویب شد. به موجب این قانون کار در کارخانجات می بایست از پنج و نیم بامداد شروع شده تا 8/5 شامگاه - یعنی مدت 15 ساعت ادامه یابد. از این مدت یک ساعت و نیم برای غذا خوردن بود و سیزده ساعت و نیم برای کار خالص! از روی این قانون "محدود کننده" می توان فهمید که قبل از تصویب آن چه وضعی وجود داشته است که تازه تعیین ساعت کار روزانه - حکم محدود کردن روزانه کار را داشته است. این قانون روح سرمایه را آشکار می کند و اشتباهی بزرگ آسای آن را برای امتداد روزانه کار و استثمار هر چه شدید تر کارگر نشان می دهد.

پس از قانون 833، بر اثر مبارزات طولانی، طبقه کارگر رفته رفته متشکل تر می شد قوانین محدود کننده دیگری تصویب شد. ولی تا صد سال پیش روزانه کار کارگران در اروپای باختری و ایالات متحده آمریکا - کشور های پیشرفته سرمایه داری - حداقل 12 ساعت بود.

در سال 1866 کنگره انترناسیونال دوم که در ژنو تشکیل شده بود تقاضای محدود کردن روزانه کار را به 8 ساعت مطرح ساخت و از آن پس این تقاضا از اساسی ترین خواست های مبارزات صنفی کارگران شد کارگران در کشورهای مختلف برای به کرسی نشاندن این خواست بارها دست به اعتصاب زدند، بارها کشته دادند. اما سال ها و سال ها نتیجه نگرفتند. تنها پس از انقلاب اکتبر و پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه بود که بورژوازی جهانی مجبور به پذیرش این خواست شد، تا آن که در سال 1922 محافل بورژوایی عده ای از کشورهای موافقت نامه ای میان خود امضاء کردند (موافقت نامه واشنگتن) که به موجب آن آمادگی خود را برای پذیرش 8 ساعت کار اعلام می کردند. هدف سرمایه داران این بود که اگر چنین گذشتی می کنند لاقبل جنبه وسیعی داشته باشد تا قدرت رقابت کشوری را نسبت به کشور دیگر در بازار جهانی کاهش ندهد. در عمل اجرای این موافقت نامه به طول انجامید، ولی به هر صورت پس از سال ها نبرد اجرا شد.

اینک در کشورهای پیشرفته سرمایه داری ساعات کار هفتگی کارگران به طور متوسط 40 تا 45 ساعت است. ولی از آنجا که عده ای از کارگران کار کامل تمام مدت ندارند و در برابر دستمزد کمتر، گاه نصف روز کار می کنند، عده ای دیگر از کارگران ساعات کار بسیار طولانی دارند. با این حال کاهش روزانه کار از موفقیت های بزرگ جنبش کارگری است.

در روسیه تا سال 1896 هیچگونه محدودیتی برای روزانه کار وجود نداشت. کارگران گاه تا 16 ساعت و بیشتر کار می کردند. در این سال زیر رهبری " اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر " که لنین سازنده آن بود یک اعتصاب 30 هزار نفری در پترزبورگ صورت گرفت. بر اثر این اعتصاب دولت تزاری مجبور شد روزانه کار را به 11 ساعت کاهش دهد. لنین برای مبارزه کارگران در راه کاهش روزانه کار اهمیت فراوان می داد. تا وقتی حکومت تزاری در روسیه حاکم بود، طبقه کارگر روسیه به روزانه کار عادی دست نیافت. تنها انقلاب اکتبر بود که طبقه کارگر را در سرتاسر اتحاد شوروی از استثمار و همه مسایل مربوط به آن آزاد کرد.

نظري به توليد اضافه ارزش مطلق در ايران

الف- مختصري از گذشته

طبقه کارگر مزدور صنعتي به معنای امروزی کلمه از اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم میلادی در کشور ما پدید آمد و با فراز و نشیب های رشد کرد و پایه پای آن نبرد کار و سرمایه نیز در همه زمینه ها و از جمله بر سر روزانه کار پدید آمد و گسترش یافت. از آنجا که در این زمان مبارزات کارگری در مقیاس جهانی وسعت داشت و در سایر کشورها قوانین کار پدید آمده بود قاعدتاً می بایست در ایران نیز مناسبات کار و سرمایه بر مبنای قانونی استوار شود و نظمی پیدا کند. اما عقب ماندگی عمومی جامعه ایران، سلطه مناسبات فئودالی و نیمه فئودالی، نفوذ سیاست های استعماری و بالاتر از همه سلطه مطلق و استبداد سلطنتی، این امر را بسیار به تأخیر انداخت. در جامعه ای که جز امر " قبله عالم " تقریباً قانونی وجود نداشت، طبیعی است که به طریق اولی ممکن نبود قانون کاری پدید آید. هنوز هم مجموعه این عوامل با شدت و ضعف کمتر یا بیشتر، روی زندگی طبقه کارگر و حقوق آن اثر می گذارد.

در زمان انقلاب مشروطه، هنگامی که نبرد ضد استبدادی مردم ایران در همه زمینه ها گسترش می یافت، کارگران ایران نیز فرصت یافتند در راه محدود کردن رسمی روزانه کار بکوشند. در ماه آوریل 1907 این کوشش ثمر بخشید و نخستین سند محدود کننده روزانه کار کارگران میان کارگران و کارفرمایان چاپخانه های تهران به امضاء رسید. به موجب این موافقت نامه، روزانه کار کارگران چاپخانه ها که 14 ساعت بود به 9 ساعت کاهش یافت. این مبارزات زیر رهبری گروه های سوسیال دموکرات ایران قرار داشت.

پس از پیروزی انقلاب اکتبر مبارزات ملی و دموکرات در کشور ما بسیار رشد کرد و جنبش های انقلابی در آذربایجان، گیلان و خراسان اوج گرفت. پایه پای آن ها جنبش کارگری نیز رشد کرد. حزب کمونیست ایران در 1921 تشکیل شد و زیر رهبری آن سندیکاهای کارگری گسترش یافت و مبارزه برای کاهش قانونی روزانه کار تشدید شد. به ویژه آن که پس از کودتای سوم اسفند و استقرار دیکتاتوری رضاخانی وضع طبقه کارگر دشوارتر شد. سندیکاهای کارگری منحل گشت، جنبش کارگری با خشونت حیوانی سرکوب شد و هر اعتراض کارگران با حبس و تبعید و گلوله پاسخ داده شد. کافی است بگوئیم که وقتی در سال 1308 (1929 میلادی) کارگران شرکت سابق نفت در خوزستان برای کسب ابتدایی ترین حقوق خویش دست به اعتصاب زدند، رضاشاه نه تنها خود نیروی نظامی برای سرکوب کارگران اعزام کرد، بلکه اجازه داد که نیروی دریایی انگلیس نیز برای سرکوب کارگران از بصره به سوی آبادان حرکت کند. دویست نفر از کارگران در این اعتصاب توقیف شدند و رهبران اعتصاب - از جمله کارگر مبارز، شادروان علی امید که بعدها به عضویت حزب توده ایران در آمد و تا پایان به آن وفادار ماند - تنها به جرم رهبری این اعتصاب بیش از ده سال در زندان بسر بردند.

رضاشاه از يك سو مناسبات ارباب - رعیتی را تحکیم می کرد و از سوی دیگر کوششی برای گسترش صنایع ماشینی بکار می برد و این دو در نقطه مقابل هم و متناقض بود. در زمان رضا شاه از طریق قانون ثبت املاک و سپس قوانین مدنی (مبحث عقد مزارعه)، مالکیت اربابی و مناسبات اربابی - رعیتی قوت قانونی به خود گرفت. ولی در همین زمان چندین کارخانه ماشینی نساجی، سیمان و غیره تاسیس شد که بخش مهمی از آن ها در املاک خود رضاشاه در مازندران مستقر بود. در این کارخانه ها کارگران در بدترین شرایط کار می کردند. روزانه کار محدود نبود، محلی برای سکونت کارگران وجود نداشت. اغلب ده ها کارگر را در يك انبار می ریختند.

در آنسال ها در اصفهان نیز کارخانه های نساجی بوجود آمد و گسترش یافت. روزانه کار در این کارخانه ها 10 تا 15 ساعت در روز می رسید که تنها نیم ساعت آن برای ناهار خوردن بود. کارگران کارخانه "وطن" در اصفهان، در اردیبهشت 1310 (ماه مه 1931) برای کاهش روزانه کار و سایر تقاضاها دست به اعتصاب زدند. در آنوقت آن ها موفق شدند روزانه کار را به 9 ساعت در روز برسانند. اما در عمل این قرار بدرستی اجرا نشد.

در زمان حکومت بیست ساله رضاخانی برخی آیین نامه ها و تصویب نامه های دولتی درباره تنظیم شرایط کار صادر شد. از جمله برای کارگران موسسات دولتی و امور راهسازی. همچنین آیین نامه ای درباره شرایط کار کارگران قالیباف تدوین شد (در سال 1302 برابر 1923 میلادی) ولی اینگونه اقدامات منفرد و محدود بود و هنوز از معنای کار بسیار فاصله داشت. حتی تصویب نامه بالنسبه وسیعی که در شهریور 1315 (1936 میلادی) برای تنظیم شرایط کار کارگران کارخانه های صنعتی کشور تهیه و تصویب شد تاثیر کمی در تنظیم امور کارگری و محدود کردن روزانه کار کارگران داشت.

تحول اساسی در مسایل کارگری در کشور ما از زمان سرنگونی دیکتاتوری رضاشاهی و

تاسیس حزب توده ایران پدید آمد. حزب توده ایران از نخستین روز پیدایش خود دفاع از حقوق طبقه کارگر ایران را در سرلوحه فعالیت های خویش قرار داد و برای رسیدن به این هدف به سازماندهی انقلابی کارگران پرداخت که در تاریخ ایران بی سابقه بود. حزب ما موفق شد در همان نخستین سال های آغاز فعالیت خویش ده ها هزار کارگر را در اتحادیه های کارگری متشکل کند و جنبش کارگری به مقیاس سرتاسر کشور و با هدف و رهبری واحد به وجود آورد و کمک کرد که کارگران "شورای متحده مرکزی" را بوجود آورند و به وحدت سندیکایی در مقیاس همه کشور دست یابند. این موفقیت بزرگ در نبردی عظیم علیه دربار، فئودال ها، بورژواها و عمال آشکار و نهان امپریالیسم و ارتجاع از نوع سیدضیاء و غیره بدست آمد.

یکی از مهمترین مطالبات جنبش کارگری ایران در آن سال ها تدوین و تصویب قانون کار و برقراری روزانه کار 8 ساعته بود. اعتصابهای کارگری و دیگر انواع مبارزات کارگری که در آن سال ها انجام می گرفت، تقریباً همواره مطالبات روزانه کار 8 ساعته را مطرح می کرد. در آنزمان کارگران عده ای از موسسات موفق شدند که حتی قبل از این که - قانون کاری تدوین شود و محدودیت قانونی بوجود آورد، خود در محیط کار خویش روزانه کار 8 ساعته را معمول و اجرا کنند.

در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی برای اولین بار نمایندگان از حزب توده ایران - یعنی از حزب طبقه کارگر ایران به مجلس راه یافتند. آنان که در جمع 163 نفری مجلس ارتجاعی ایران اقلیت کوچک هشت نفری بودند، با تکیه به جنبش وسیع توده ای خارج از مجلس، منشاء و مصدر اقدامات بزرگی شدند، که از جمله آن تدوین و پیشنهاد قانون کار و مجبور کردن مجلس به تصویب آن است. لایحه قانون کار روز 14 اردیبهشت 1323 (سوم ماه مه 1944) از طرف فراکسیون توده به مجلس پیشنهاد شد. اما مجلس نخواست آن را تصویب کند. لازم بود که در خارج از مجلس جنبش کارگری چنان رشد کند که دربار دولت و مجلس مدافع استثمارگران را وادار به تسلیم نماید.

پیروزی بزرگ ارتش سرخ در نبرد استالینگراد که نقطه عطفی در نبرد ضد فاشیستی مردم شوروی و همه جنبش جهانی کمونیستی و کارگری است، به جنبش انقلابی ایران نیز تکان بزرگی داد. جنبش کارگری ایران بیش از پیش اوج گرفت و به ویژه پس از پایان جنگ و پیروزی کامل ارتش سرخ و متفقین بر آلمان هیتلری گسترش بی سابقه ای یافت. در آذربایجان و کردستان قیام نیروهای دمکراتیک پیروز شد و حکومت های ملی پدید آمد. روز 11 اردیبهشت 1325 (اول ماه مه 1946) 60 هزار کارگر پالایشگاه آبادان در عظیم ترین اعتصاب و تظاهرات خیابانی شرکت کردند. موج نوینی از جنبش اعتصابی موسسات صنعتی را فرا گرفت. در چنین شرایطی بود که هیئت حاکمه ایران مجبور شد در اردیبهشت سال 1325 قانون کار را با عجله بدون تصویب مجلس شورا پذیرفته و به موقع اجرا بگذارد.

این قانون روزانه کار را در موسسات بزرگ صنعتی به 8 ساعت محدود می کرد و برای کارگران تعطیلات هفتگی و سالانه در نظر می گرفت. ولی هنوز هم روزانه کارگران موسسات و کارگاههای کوچک و کارگران کشاورزی را مسکوت می گذاشت.

قانون کار پس از شکست جنبش در آذربایجان و کردستان و بویژه بعد از 15 بهمن 1327 و هجوم ارتجاع به حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی، در بسیاری از موسسات اجرا نشد و دولت به خود حق داد که در آن به

نفع سرمایه داران تجدید نظر کند. لایحه تجدید نظر شده قانون کار بالاخره در سال 1328 به تصویب مجلس رسید. از آن پس نیز مبارزه طبقه کارگر از يك سو و سرمایه داران و ارتجاع از سوي دیگر براي تجدید نظر در قانون کار، اجرا و یا عدم اجرای آن ادامه یافت و هر بار که فرصتي پیش آمد، در این با آن سمت تغییراتي در آن وارد شد. کودتاي ارتجاعي امپریالیستی 28 مرداد 1332 به رژیم حاکم ایران امکان داد که اتحادیه هاي کارگري را به شدت زیر فشار گذارد و عده ای از آن ها را تعطیل کند. پس از این کودتا فشار به طبقه کارگر بسیار شدت یافت.

ب - تصویب قانون کار و شمول آن

قانون کار جدید که در سال 1337 تدوین شد مهر کودتاي سپاه 28 مرداد را برپیشانی دارد. در این قانون حتي کلمه "اعتصاب" و "جشن اول ماه مه" حذف شد و دولت امکان یافت که هرگونه اعتصابي را غیرقانوني اعلام دارد و روز تولد رضاشاه را به جای اول ماه مه، روز جشن کارگر و تعطیل رسمي اعلام کند. سال هاي بعد کارگران موفق شدند برخي از ارتجاعي ترین آثار کودتاي 28 مرداد را از قانون کار بردارند، ولي به هر صورت مواد اصلي قانون به جای خود باقي است و پایه مناسبات کار و سرمایه را در ایران امروز تشکیل مي دهد. در زیر موادي از این قانون که به روزانه کار - و در نهایت امر به تولید اضافه ارزش مطلق مربوط است نظري مي افکنیم:

ماده ششم قانوني کار حاكي است "کليه کارگران و کارفرمایان و کارگاه ها مشمول این قانون مي باشند"⁽¹⁾. اما تبصره يك همین ماده مي گوید "وزارت کار مي تواند کارگاه هايي را که داراي کمتر از ده نفر کارگر هستند موقتا" از شمول قسمتي از مواد این قانون معاف دارد"⁽²⁾ ماده 7 کارگاه هاي "خانوادگي" را از شمول قانون معاف مي کند و ماده 8 مي گوید "کارگران کشاورزي، خدمه و مستخدمین منازل تابع مقررات خاصي که به موجب قوانين جداگانه تعیین مي شود خواهند بود"⁽³⁾.

وزارت کار از تبصره يك ماده 6 تاکنون استفاده کرده و همه کارگاه هاي کمتر از 10 نفر را از شمول قانون کار معاف نموده است. این وزارتخانه تا به حال مقرراتي نیز راجع به خدمه و مستخدمین منازل تنظیم و اعلام نکرده است. اما درباره کارگران کشاورزي قانون کار جداگانه ای درخرداد ماه 1353 (ژوئن 1974) به تصویب رسیده است.

اضافه کنیم که موافق تبصره يك ماده اول قانون کار "اشخاصي که مشمول قانون استخدام کشوري و ساير قوانين استخدامي مي باشند مشمول مقررات این قانون نخواهند بود"⁽⁴⁾.

از جمله کارگراني که مشمول قوانين و مقررات "خاص" هستند و لذا مشمول قانون کار نمي شوند باید از کارگراني که "در کارخانه ها و کارگاه هاي ارتش و یا در محل هاي وابسته به آن ها با دستمزد و یا کارمزد به کار گمارده مي شوند"⁽¹⁾، نامبرد. این کارگران از لحاظ وضع استخدام، پایه بندي حقوق، مرخصي، ساعات کار و ساير امور اداري و استخدامي تابع مقررات مربوطه اند که از طرف وزارت جنگ تهیه مي شود. "هیچ يك از قوانين استخدامي کشوري و قوانين و مقررات دیگر ارتش شامل حال آنان نخواهد بود"⁽²⁾، "از لحاظ انضباط و یا تعقیب جرایم مشمول مقررات وقوانين مستخدمین ارتش خواهند بود"⁽³⁾.

(1) (2). 5 4
(3) 6
(4) 2

⁽¹⁾ و (2) و (3) قانون بیمه هاي اجتماعي کارگاههاي ارتش - نقل از مجموعه قوانين استخدامي گردآورنده روح اله امین. تهران 1354، ص 612

بنابر این کارگران کارخانه ها و کارگاه های ارتشی و محل های وابسته به آن ها که مفهوم بسیار کشداری است تابع قانون کار نیستند. ساعات کارشان طبق مقرراتی است که از آن خبری نداریم ولی می دانیم که آنان را با انضباط نظامی به کار شاق و می دارند.

به این ترتیب طبقه کارگر ایران از نظر روزانه کار به دو بخش اساسی تقسیم می شود:
بخشی که در آن محدودیت قانونی روزانه کار وجود دارد و بخشی که دارای چنین محدودیتی نیست. اکثریت قاطع کارگاه ها و کارگران ایران هنوز جزو بخش دوم اند. یعنی روزانه کارشان قانوناً محدود نیست. برای این که تصویری از این دو بخش مشمول و معاف از قانون داشته باشیم به آمارسال 1351 کشور نظری می افکنیم. موافق این آمار در این سال در شهرهای کشور 209146 کارگاه صنعتی وجود داشته که از این تعداد فقط 5850 کارگاه، یعنی کمتر از 2/8% بیش از ده نفر کارگر داشته اند و مشمول قانون کار و 97/2% معاف از قانون بوده اند. در کل کشور یعنی هم در شهرها و هم دهات یک میلیون و هفتصد هزار کارگر در امور صنعتی کار می کرده اند که از این عده فقط 300 هزار نفر یعنی 17/7% در کارگاه های مشمول قانون کار مشغول بوده و بقیه یعنی در بیش از 82% مشمول قانون نمی شدند. چنان که می دانیم بخش عمده مزد بگیران ایران در رشته صنعت شاغل نیستند، بلکه در کشاورزی و خدمات از قبیل فروشندگی و غیره مشغولند. به موجب آمارسال 1345، جمعاً دو میلیون و ششصد و سی هزار نفر مزدبگیر در سرتاسر کشور مشغول کار بوده که از این عده کمتر از 300 هزار نفر 11/4% مشمول قانون کار بوده اند و بیش از 88% معاف از قانون. در همین سال 677 هزار نفر مرد و زن نیز جزو کارکنان فامیلی به حساب آمده و نه فقط مشمول قانون کار نبوده اند بلکه حتی مزد هم نگرفته اند⁽¹⁾. (و همه اینها به شرطی است که قانون کار تمام و کمال اجرا شده باشد)

پیش از آنکه به بحث تفصیلی درباره مدت روزانه کار در بخش های مختلف بپردازیم جا دارد که آمار کلی از روزانه کار به دست دهیم.

بنابر آمار سال 1345 - در این سال ساعات کار هفتگی قریب چهار میلیون نفر شاغلین در ایران بیش از پنجاه ساعت بوده و از جمله بیش از یک میلیون نفر هفتاد ساعت در هفته و نیم میلیون نفر بیش از هفتاد ساعت در هفته کار می کرده اند.⁽²⁾

پ - روزانه کار در بخشی که مشمول قانون کار است.

ماده 11 قانون کار، ساعات کار کارگران را در کارگاه های مشمول 8 ساعت در شبانه روز و 48 ساعت در هفته تعیین می کند "جز در مواردی که در قانون ذکر شده است"⁽³⁾ کارفرما می تواند مدت کار روزانه را در یک روز کمتر و روز دیگر بیشتر کند. به شرطی که در روز از 9 ساعت و هفته 48 ساعت تجاوز نکند. موافق ماده 12 قانون "کار اضافی با موافقت طرفین" مجاز است⁽⁴⁾. "کار اضافی نباید از چهارساعت در روز تجاوز نماید". برای کار اضافی باید 35% اضافه دستمزد پرداخت. موافق ماده 14 قانون "روزهای جمعه تعطیل با استفاده از مزد می باشد" و موافق ماده 15 "هر کارگر به ازاء 12 ماه حق دوازده روز مرخصی با استفاده از مزد دارد". ده روز در سال نیز تعطیل رسمی است. (با استفاده از مزد) تبصره ماده 13 حاکی است "هر گاه با موافقت کارگر" تعطیل جمعه داده نشود "135 درصد اضافه بر مزد روزانه پرداخت خواهد شد".

روزانه کار "کارگران ماهیگیر، ملاحان، کارکنان کشتی ها و فرودگاه ها و خلبانان و کارگرانی که کارشان به نحوی است که قسمتی و یا کلیه مزد و درآمد آن ها به وسیله مشتریان و یا مراجعین تامین می شود و

(2) همان کتاب. ص 93

(4) همان کتاب. ص 9

(1) سالنامه آماری 1351 کشور. ص 107

(3) قانون کار ... ص 8 .

کارگران بنادر که مامور تخلیه کشتی‌ها هستند و همچنین کارگرانی که کار آن‌ها نوعاً در ساعات متناوب انجام می‌گیرد به موجب آیین‌نامه‌های جداگانه است⁽¹⁾.

تاکنون دو آیین‌نامه جداگانه در این مورد تصویب شده که در یکی از آن‌ها ساعات کار "کارگرانی که کار آن‌ها متناوب است با در نظر گرفتن اضافه کار حداکثر 14 ساعت تعیین شده است"⁽²⁾.

در آیین‌نامه دیگری که مربوط به "مدت کار، تعطیلات، مرخصی‌ها و مزد و یا حقوق کارگران ماهیگیر و ملاحان و کارکنان کشتی‌هاست" مدت کار 48 ساعت در هفته و 24 ساعت کار اضافی در هفته است⁽³⁾.

به این ترتیب در موافقی که قانون اجرا می‌شود برای 10-11 درصد از کارگران ایران که مشمول قانون کارند، روزانه کار قانوناً از 8 تا 12 و گاه 14 ساعت در روز است و کارفرما می‌تواند با پرداخت مزد کمی بیش از معمول روزهای جمعه نیز کارگر را به کار وا دارد. و چون دستمزد عادی تأمین‌کننده زندگی کارگر نیست، هر وقت که کارفرما به صرفه خود بداند می‌تواند "موافقت" کارگر را برای اضافه کاری و کار روزهای جمعه جلب کند.

ت - روزانه کار در قانون کار کشاورزی

در خرداد ماه سال 1353 قانون کار کشاورزی به تصویب دو مجلس رسید این قانون تنها شامل آن دسته از کارگران کشاورزی است که "در واحدهای کشت و صنعت و مزارع دولتی با مزارع کشاورزی مکانیزه به کار اشتغال داشته باشند"⁽⁴⁾.

کارگرانی که برای شرکت‌های سهامی زراعی یا شرکت‌های تعاونی روستایی یا کشاورزی و یا اراضی متعلق به خرده مالکان واقع در مناطق روستایی کشور "کار می‌کنند از شمول این قانون معافند"⁽¹⁾ به این ترتیب این قانون اگر هم اجرا شود بخش بسیار کوچکی از کارگران کشاورزی را دربرخواهد گرفت. در مورد این بخش کوچک مشمول قانون روزانه کار "10 ساعت در شبانه روز و یا 60 ساعت در هفته است. کارفرما می‌تواند ساعات کار را در روزهای کمتر و در سایر روزها ساعات کار را افزایش دهد. مشروط بر این که جمع ساعات کار در چهار هفته متوالی از 240 ساعت تجاوز ننماید"⁽²⁾ "کار اضافی با توافق طرفین مجاز خواهد بود"⁽²⁾ "تعطیل هفتگی در مشاغل کشاورزی و نحوه استفاده از آن به موجب آئین‌نامه است"⁽³⁾ "مرخصی به ازاء يك سال کار "مجموعاً" از 9 روز تجاوز نخواهد کرد"⁽⁴⁾. "تعطیلات رسمی سالانه 8 روز است"⁽⁴⁾ "موقع استفاده از مرخصی با موافقت طرفین است"⁽⁶⁾

بطوری که از مواد قانون دیده می‌شود، کارگران کشاورزی به طور عمده خارج از قانون کارند و محدودیتی در مدت کارشان نیست. اما آن جزء بسیار کوچکی از کارگران هم که مشمول این "قانون" می‌شوند باید حداقل 60 ساعت در هفته "قانوناً" کار کنند. برای کار اضافی آن‌ها "با موافقت طرفین" محدودیتی نیست. به علاوه کارفرما می‌تواند در روزهای که کاری ندارد، کارگران را بیکار بگذارد. که عملاً وقت کشتن است و در عوض روزهای دیگر که کار دارد از کارگر تقریباً بدون محدودیت کار بکشد. بطوری که در ماه پیش از 240 ساعت نباشد!! تعطیل هفتگی موکول به آئین‌نامه ای است که هنوز وجود ندارد.

(1) همان کتاب. ص 5 تبصره 2 از ماده 6 قانون کار

(2) آئین‌نامه مربوط به تبصره 2 ماده 6 قانون کار، مصوب اول تیر 1349، نقل از کتاب قانون کار ص 85

(3) همان کتاب، ص 148

(4) همان کتاب. ص 43 (از ماده يك قانون)

(1) همان کتاب. ص 44

(2) و3و4 همان کتاب. ص 47

(5) همان کتاب. ص 48 ماده ده قانون

(6) همان کتاب. ص 48 ماده 9 قانون

(7) همان کتاب. ص 49 تبصره 2 ماده 9 قانون

ث – روزانه کار در بخشی که مشمول قانون کار نیست

در بخش عمده صنایع و موسسات سرمایه داری ایران و در کشاورزی محدودیت قانونی برای روزانه کار وجود ندارد. از نمونه های فراوان و اظهارات رسمی مقامات مسئول می توان دریافت که در این بخش که قریب 90 درصد کارگران و مزدوران ایران را در بر می گیرد؛ روزانه کار تا 16 و 17 ساعت و بدون تعطیل هفتگی و مرخصی سالانه ادامه می یابد. در اجتماع اطاق اصناف تهران رئیس بازرسی اطاق می گوید: "افراد واحدهای صنفی پر کارترین مردم شهر هستند. این افراد سحرگاه محل کار می روند و شامگاه باز می گردند. افراد ما هنوز طلوع و غروب آفتاب را در خانه خود ندیده اند. این افراد در روز بیش از 17 ساعت پشت ترازو هستند⁽¹⁾."

افراد واحدهای صنفی تهران بخشی پیشه ور خرده پا و یا صاحب کارند، و بخش بزرگتر کارگر مزدور، در تهران 200 هزار واحد صنفی وجود دارد که بیش از یک میلیون نفر در آن ها کار می کنند⁽¹⁾ یعنی در هر واحد به طور متوسط 5 نفر، یک صاحب کار و چهار نفر کارگر و سخن درست بر سر کارگران مزدور و پیشه وران خرده پاست که روزانه کارشان 16-17 ساعت است. وگرنه صاحب کار معمولاً "بیشتر استراحت می کند و کارگاه را به سرکارگش می سپارد."

طرحی که برای تنظیم ساعات کار اصناف تهران در آذرماه 1355 (دسامبر 1976) تهیه شده مقرراتی برای ساعاتی که مغازه ها باید به روی مشتری باز باشند تعیین کرده، ولی محدودیتی برای ساعات کار کارگران اصناف فائل نشده است. کارگران بعضی از صنف ها مثلاً "نانوایان از ساعت 4 تا 5 صبح کار خود را آغاز می کنند و به طور مقطع تا ساعت ده شب به کار مشغولند. برخی از کارگران مجبورند شب ها هم در کارگاه به مانند تا آن را دزد نزنند."

وضع در کشاورزی و در صنایع دستی روستائی از این هم دردناک تر است شاید ساعات کار در مزرعه و صحرا را طلوع و غروب آفتاب "تنظیم" کند. اما کار در کارگاه های کوچک، از جمله قالی بافی به کمک چراغ های کم نور ساعت ها از شب رفته ادامه می یابد.

چنین است تصویر ناقصی از وضع روزانه کار در کشور ما. این تصویر نشان می دهد که در جامعه عقب افتاده ما هنوز تکیه بر تولید اضافه ارزش یعنی تمدید هرچه بیشتر روزانه کار کارگر جای برجسته دارد.

(1) روزنامه اطلاعات. نهم دیماه 1352 (تکیه آزماست)
(1) 21 2535 (1355)